درمکتب امام

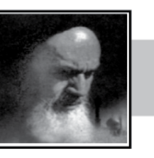

تابع ائمه هدی باشیم

اگر تابع ائمه هدی هستیم، ببینیم که اینها در ایام حیاتشان چه کردند. نشستند و مسئله گفتند؟ چنانچه مسئله گو بودند، چه کار داشتند بهشان این ظالمین و این مستکبرین که بکشندشان و حبسشان کنند و تبعیدشان کنند و ببرندشان به خارج و نگذارند که کسی پیششان برود؟

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۴۱۲ | جماران؛ ۱۹آبان ۱۳۶۶

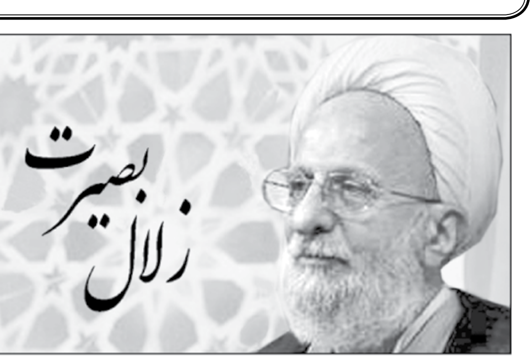

رخنه سکولاریسم در تار و پود فرهنگ جامعه

دغدغه افراد برای رفع آسیب‌ها و خطراتی که نظام اسلامی را تهدید می‌کند، مقدس است، اما اینکه انسان در برابر این خطرها، تهدیدات، کج‌اندیشی‌ها و کج‌رفتاری‌ها، باید چه کند و وظیفه فردی، گروهی و اجتماعی او چیست، بحث دیگری است که فهمیدن آن ساده نیست و آیه یا روایت متواتری در این زمینه برای شناخت جزئیات رفتار در چنین شرایطی هم نداریم. در این زمینه دو گونه نگاه جزئی و فراگیر به این مسائل و خطرات وجود دارد، در نگاه جزئی به مشکلات و تهدیدها، هر کس با توجه به نوع تفکر و محیطی که با آن سروکار دارد، برداشت می‌کند، به عنوان نمونه یک طلبه، مخالفت با احکام شرع را تهدید تلقی می‌کند؛ یک نظامی، تهدیدهای نظامی که متوجه کشور است را مد نظر قرار می‌دهد؛ یک سیاستمدار نحوه تعامل و آشتی با دنیا یا مقابله با آن را مورد توجه قرار می‌دهد. هنرمندان نیز توجه شان بیشتر به هنر است.

اسلام‌خواهی، انگیزه پیدایش انقلاب اسلامی

هر چند لازمه تشکیل نظام اسلامی، تأمین مسائل اقتصادی جامعه است، اما باید توجه داشت که مهمترین معضل و مسئله در کشور ما، اقتصاد و مادیات نیست، بلکه همان هدفی است که به خاطر آن، انقلاب صورت گرفت.اگر قرار بود مشکل اصلی ما، اقتصاد و مادیات باشد، که در این صورت اگر انقلاب نمی‌کردیم، بهتر بود، چرا که در آن زمان نه تحریمی دامنگیر ملت ایران بود و نه مشکل انرژی هسته‌ای داشتیم و الان در وضعیت پیشرفته‌تری بودیم، چرا که از همان زمان قراردادهایی برای صنعت هسته‌ای منعقد شده و در حال اجرا بود.

انقلاب اسلامی، انقلابی با ماهیت فرهنگی بود و نه اقتصادی،فرهنگ همان باورها و ارزش‌هایی است که زیربنای رفتارهای آدمی است و هر آسیبی که تا کنون به ما رسیده، از همین ناحیه بوده است.

وجود جوان‌های پاکی که جان خود را برای پیروزی و حفظ انقلاب فدا کردند، محصول کارهای فرهنگی بوده و نه اقتصادی، تکیه کلام امام(ره)، از روز اول نهضت، اسلام بود و اگر زمانی هم برمی‌آشفت، به خاطر این بود که برای اسلام احساس خطر می‌کرد و این نگاه تا آخرین لحظات عمر امام(ره) ادامه داشت، اما برخی مسئولین کم‌کم اسلام را فراموش کردند، به نحوی که وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، قید اسلامی را قیدی تشریفاتی تلقی کرده بود و بزرگترین دستاورد فرهنگی وزارت متبوع خود را آزادی می‌دانست که متأسفانه نمونه‌ای از چنین سخنانی را در وزیر فعلی و همکارانشان نیز شاهد هستیم.

این اظهارات برگرفته از تفکر سکولاریسم است. سکولاریسم، همان مسئله‌ای است که در زمان اصلاحات در سخنرانی‌هایشان بیان کرده، ترویج کردند و کتاب‌ها درباره آن نوشتند و البته هنوز هم می‌گویند و برخی سخنان دولتمردان فعلی نیز نشخوار سخنان اصلاح‌طلبان است.

این عده باور ندارند که اسلام عامل سعادت دنیا و آخرت است و محتوای اسلام، فرهنگی است، برخی از افراد همواره شعار داده و دائم از لفظ «مقام معظم رهبری» دم می‌زنند، اما در عمق دل، اصلا ولایت‌فقیه را قبول ندارند، بلکه عمیقا باور دارند تنها راه نجات بشریت، ایدئولوژی لیبرال و دموکراسی لیبرال است، هر چند در این قالب، دین هم محدود به نماز، روزه، سینه‌زنی و روضه‌خوانی می‌تواند، وجود داشته باشد.

اگر دین منحصر در نماز و روزه و سینه‌زنی بود، پس چرا انقلاب شد؟ مگر روضه‌خوانی از درون کاخ به صورت مستقیم پخش نمی‌شد؟ مگر در زمان شاه، قرآن منتشر نمی‌شد؟ مگر حتی در ماه‌های رمضان از سحر تا صبح صدای مناجات‌ها بلند نبود؟ اگر اسلام همین بود، چرا امام(ره) نسبت به اسلام احساس خطر کرد؟

اینکه شخصی بگوید عده‌ای دین را نمی‌شناسند و متوهم هستند، در همین مسئله ریشه دارد. چون این عده، دین خود را با الهام از فرهنگ غربی تفسیر می‌کنند و شناخت آنها نسبت به دین، بگونه‌ای نیست که امام(ره) آن را معرفی کرد. بله، ما دینی را که آنها می‌گویند، نمی‌شناسیم، ما دینی را می‌شناسیم که امام(ره) به ما یاد داده است و برای آن انقلاب شده و خون‌های زیادی به خاطر آن فدا شده است.

اگر باور داریم که تنها عامل سعادت ما، دین است و باید به نظام اسلامی نگاهی فراگیر داشت و نه جزئی، اولین قدمی که باید برداشته شود، شناخت اسلام و تلاش برای اجرای آن در جامعه است. یعنی در وهله اول باید آن دینی که امام(ره) برای آن احساس خطر کرد را به خوبی شناخت و فرهنگ اسلام را زنده کرد. البته اصل این وظیفه بر عهده روحانیت و دین شناس‌های واقعی است که دین را به همان معنایی که امام(ره) فهمیده بود، بشناسند و به میدان بیایند، وگرنه دین شناسان قلابی به میدان آمده و دین را هرگونه می‌خواهند به مردم می‌فهمانند.

لزوم آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی

بسیاری از کسانی که در طول نهضت، منبرها رفته و سخنرانی‌ها کردند، قلم زده و مقاله‌ها نوشتند، زندان رفته و شکنجه‌ها شدند، عقب‌گرد کرده‌اند! حتی به یاد دارم اولین کسانی را که سعی می‌کردند در سخنرانی هایشان در مسجد اعظم قم یا تهران، حتی با استدلال به آیات قرآن، عنوان امام را برای امام خمینی(ره) ترویج کنند و امروز برخی از آنها برگشته‌اند کسانی که برای جهاد و شهادت، سخنرانی‌های پرشور داشتند، امروز عقب گرد کرده‌اند. لذا یک گروه پویا و زنده باید به آسیب شناسی پرداخته و عواملی را که سبب شده تا وضع به اینجا برسد، شناسایی کند و راهکاری برای مقابله با این آسیب‌ها و قرار گرفتن در مسیر صحیح ارائه کند.

بعد از گذشت ۳۵ سال از انقلاب اسلامی، عده‌ای فرهنگ را همان ساز و تنبور می‌دانند و پیشرفت در هنر را ساخت فیلم‌هایی می‌دانند که بتوانند در جشنواره‌های غربی پذیرفته شوند، ولو اینکه فیلمسازان آن و محتوای فیلم‌ها، ضداسلام و انقلاب اسلامی باشد. اکثریت دولتمردان وقتی از توسعه نام می‌برند، آرمانشان آمریکا، هرچند یکی از ایالت‌های سطح پایین آن است. یعنی آرزوی نهایی آنها این است که بتوان از امکانات و تجهیزات آنها استفاده کرد و آنها ما را جزء خود بدانند. چنین تفکری است که سبب شده رفتار دولتمردان به جایی برسد که می‌بینید. البته با چند منبر رفتن و سخنرانی نمی‌توان فکر چنین افرادی را عوض کرد،اگر قرار بود با سخنرانی و نوشتن مقاله، تفکرشان عوض شود، بهترین نمونه، سخنرانی‌های موجود امام(ره) و صحیفه امام است، که نه تنها بر آنها اثر نمی‌گذارد، بلکه سعی دارند تا ریشه تفکرات امام را بزنند. همان گونه که به صورت تلویحی و با گفتن اینکه برخی مسائل که در اول انقلاب صورت گرفت، درست نبود و یا انقلابی بودن به معنای بالا رفتن از دیوار نیست، برخی تصمیمات و مواضع امام(ره) را اشتباه می‌دانند و مثلا تسخیر لانه جاسوسی را کاری بسیار اشتباه می‌دانستند و مواضع امام(ره) در این قضیه را زیر سوال می‌برند.

وقتی افرادی مبانی دینی خود را سال‌ها در حوزه‌های علمیه شناخته‌اند و با چند سال حضور در آمریکا یا انگلیس، این چنین تغییر کرده‌اند، چگونه می‌توان انتظار داشت که با چند سخنرانی تفکرشان عوض شود؟ البته آنها دشمن قسم خورده اسلام نیستند، اما فکرشان عوض شده و اتفاقا دشمن هم وقتی زمینه را مساعد دیده، روی فکر آنها کار کرده است، لذا دین را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کنند که در راستای تفکرشان است.

گاه بسیاری از مغالطات هم صورت می‌گیرد تا این تفکر در جامعه حاکم شود و این امور در زمان اصلاحات نیز رواج داشت، وقتی رهبری تا این اندازه بر مسئله فرهنگ تأکید کرده و یک سال را به این نام، نامگذاری می‌کنند، عده‌ای فرهنگ را همان خواست مردم بیان می‌کنند که دولت باید برای تحقق آنها بکوشد. گاه نیز گفته می‌شود مگر اسلام مخالف توسعه است؟ مگر اسلام مخالف آزادی است؟ و سخنانی از این قبیل. در حالی که اسلام مخالف آزادی و توسعه نیست، اما عملی که آنها انجام می‌دهند، کاملا مخالف اسلام است. این به خاطر نوع نگاه سکولار است که براساس این نگاه، تفکر امام(ره)، تفکری ارتجاعی و عقب مانده تلقی می‌شود.

باید راهی پیدا کرد تا تفکر صحیح اسلام در مسئولین حاصل شود، باید دنبال برنامه‌ریزی برای آینده بوده و کادرسازی کرد. حداقل برنامه‌ریزی شود تا در آینده این سیر نزولی و دور شدن از ارزش‌های اسلام، استمرار پیدا نکند.

آیت‌الله شهید بهشتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال کادرسازی نیروهای انقلابی بود تا بعد از سرنگونی رژیم شاهنشاهی بتوانند مناصب کلیدی را در دست بگیرند و براساس اسلام حرکت کنند. حتی سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کارهای علمی و تحقیقی برای حکومت اسلامی انجام می‌داد. لذا ما هم باید از هم اکنون شرایط آینده را رصد کرده و برای آن برنامه‌ریزی و کادرسازی کنیم.

سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی (دام ظله) در دیدار اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی ؛ قم ؛ ۹۴/۳/۲۶

زلال بصیرت روزهای پنجشنبه منتشر می‌شود.

نمایندگان در گفت و گو با کیهان :

راه مبارزه با تروریسم ائتلاف با حامیان پشت پرده داعش نیست

سرویس سیاسی-

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با کیهان با بیان اینکه دست دوستی دادن با آمریکا که خود عامل و حامی تروریست است، معنا ندارد افزودند: کسانی که در داخل سخن از صلح و مذاکره در مسائل منطقه‌ای می‌گویند، قطعا می‌خواهند با دادن آدرس غلط به مردم اهداف خود را دنبال کنند.

به دنبال سیاست جدید آمریکایی‌ها مبنی بر تغییرات اجباری، تبلیغات وسیعی در غرب و آمریکا با توجه به اهداف پشت پرده استکبار می‌شود تا آمریکا بتواند امپراطوری استکباری خود را همچنان حفظ کند و از منابع و ثروت‌های منطقه برای توسعه روز افزون خود استفاده کند. آمریکایی‌ها شعار حل مسائل را می‌دهند اما در میدان عمل به دنبال تحمیل منافع خود هستند و بدون تردید سد محکم «اصول انقلابی سیاست خارجی» انقلاب اسلامی در برابر نفوذ همه جانبه غرب مانعی بزرگ است و تغییر تاکتیک‌ها در آن مانع اصول راهبردی آن نشده است.

همان طور که مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با مسئولان سیاست خارجی فرموده‌اند اهداف آمریکا در منطقه، ۱۸۰ درجه با اهداف ایران، متفاوت است و «برخلاف نظر برخی افراد، آمریکا بخش عمده مشکلات منطقه است نه بخشی از راه حل مشکلات.» در حالی که عده‌ای در داخل با استفاده از رسانه‌های وسیع خود به دنبال ترویج این نگاه هستند که در تعامل با آمریکا تمام مشکلات حل می‌شود و حتی در رابطه با مسائل منطقه‌ای و حل مشکلات تروریستی می‌توان با آمریکا وارد معامله شد! غافل از اینکه هر زمان با اجرای اصول انقلابی سیاست خارجی در طول مدت انقلاب توانستیم بر اقتدار، اعتبار و ارتقای جایگاه کشور در جهان بیافزاییم. نباید آن گونه شود که با هشدار رهبر معظم انقلاب روبرو شویم که فرمودند: اجرای «سیاست خارجی انقلابی» در عمل با برخی غفلتها، کم کاریها، ناهوشمندیها و موانع خارجی همراه بوده است.

آمریکا با شعار عوام فریبانه صلح و با فریاد دزد دزد، در منطقه غارت می‌کند

فاطمه آلیا نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با کیهان گفت: یکی از ترفندهای استکبار و ابرقدرت‌ها اساسا جنگ افروزی برای به دست آوردن منافع خودشان است تا از این طریق به خواسته‌ها و اهداف وسیع خود برسند اما اکنون استکبار و در رأس آنها آمریکا برای نیل به اهداف خویش از دریچه صلح و با تکیه بر شعارهای عامه پسند وارد می‌شوند در حالی که خوی وحشی گری و ذات جنگ افروزی آمریکا به سیاق گذشته است. آمریکا در پوشش شعارهایی که می‌دهد با پرورش تروریست‌ها و مسلح کردن آنها دو جانبه سود می‌برد چرا که با دادن تسلیحات کارخانه‌های خود به ارتقای تولید کشورشان و اقتصاد سرمایه داران کمک و با این سرمایه اهداف خود را تأمین می‌کنند و علاوه بر آن کشورهای منطقه را ناامن می‌سازند و از این ناامنی منفعت خود را به دست می‌آورند، در واقع به بهانه و با نقاب امنیت و حقوق بشر دایه دلسوزتر از مادر برای منطقه ما شده‌اند. دولت مردان آمریکایی که خود مشکلات فراوانی درست کرده‌اند، می‌خواهند از آن طرف دنیا با لشکرکشی در این منطقه امنیت درست کنند؟

نماینده مردم تهران در مجلس ادامه داد: کانون‌های تروریستی منطقه در ۱۰ و ۲۰ سال اخیر از آمریکا حمایت‌های مادی و معنوی می‌گرفتند. برای آمریکا حمایت و پشتیبانی از داعش، طالبان، القاعده و منافقین فرقی نمی‌کند اما جسورانه شعار صلح عوام فریبانه هم می‌دهند و با فریاد دزد دزد، به دزدی در خاورمیانه مشغولند. بنابراین برخی اگر به دنبال امنیت و صلح منطقه‌ای هستند باید بدانند که منشأ این ناامنی‌ها و اختلافات خود آمریکایی‌ها هستند و تا آنها از منطقه بیرون نروند، اتفاق تازه‌ای نخواهد افتاد.

جنگ صلیبی جدید به بهانه جنگ با تروریست جنگ قانون علیه مسلمین است

همچنین علیرضا خسروی نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه با اتفاق تروریستی اخیر فرانسه در واقع یک یازده سپتامبر و جنگ صلیبی دیگری توسط چند کشور غرب و همپیمان آمریکا کلید زده شد، تصریح کرد: همانطور که در یازده سپتامبر به این بهانه به منطقه و کشورهای مسلمان لشکرکشی کردند و با نامیدن ایران به محور شرارت قصد حمله به کشور را داشتند. بنابراین بعد از این اتفاق حتما باید منتظر یک جنگ صلیبی دیگری باشیم. نکته جالب توجه اینکه اکثر دستگیر شدگان اسامی اسلامی دارند که این در جهت اسلام هراسی و ایران ستیزی است.

نماینده مردم سمنان در مجلس اضافه کرد: اما جنگ صلیبی جدید، جنگ قانون علیه مسلمین است. در حال حاضر این اتفاق تروریستی در فرانسه که خاستگاه و مهد قانون نامیده می‌شود رخ داده است. آمریکا و غرب با تصویب قوانین و قطعنامه‌هایی با بهانه‌های گوناگون علیه ما همان اهداف قبلی استکباری خود را دنبال خواهند کرد و دشمن با این حربه می‌خواهد ما را محدود کند. دشمن در زمینه‌های نظامی شکست خورده و حالا از طریق حربه مذاکره و صلح به دنبال تحقق اهداف خودش است.

خسروی در گفت و گو با کیهان افزود: ما در طول تاریخ انقلاب چندین بار با آمریکا وارد مذاکره شدیم و هر بار آنها نشان دادند که قابل اعتماد نیستند. به عنوان مثال هنوز تسلیحاتی که ما قبلا از آنها خریداری کرده ایم نه تنها نداده‌اند بلکه اجاره انبارهای آن تسلیحات فروخته شده را ما داریم می‌دهیم! نمونه بعدی قرارداد الجزایر است و تا زمانی که جاسوسان آمریکایی در سفارتشان را آزاد نکرده بودیم، آمریکایی‌ها اندکی به تعهدات خود عمل کردند اما بعد از آزادی آنها اموال ما را که متعهد شده بود پس دهد، بلوکه کرد و نداد. عده‌ای می‌گویند آمریکایی‌ها در جلسات گریه و ابراز پشیمانی کردند در حالی که این گریه شیطان است که قصدی به جز اغوای آدمی ندارد تا مسلمین را فریب دهند. بدعهدی‌های آمریکایی‌ها را باید به اطلاع و آگاهی عموم رسانید و فهمید که دشمن قابل اعتماد نیست چرا که هر جا اعتماد کردیم ضربه خوردیم. آمریکا به غیراز زور زبان دیگری نمی‌فهمد.

بهانه تروریست برگ برنده آمریکا در معادلات منطقه‌ای است

علیرضا سلیمی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: امروز استکبار قصد دارد دنیا را توسط سازمان‌های جاسوسی خود مدیریت کند که اسناد فراوانی در این رابطه در اختیار است، بنابراین آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخی از کشورها برای رسیدن به اهداف خود از این طریق به اقدامات تروریستی روی آورده‌اند و همین طور برخی کشورهای منطقه‌ای مثل عربستان که حامی تروریست است را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. اینکه تروریست‌ها سلاح‌های ارتش اسرائیل و آمریکا را دارند نشان‌دهنده این است که تروریست ساخته و پرداخته همان‌ها است که به عنوان برگ برنده خود در معادلات منطقه‌ای به آن نگاه می‌کنند، در حالی که تروریست فتنه‌ای است که آتش آن حتما گردانندگانش را خواهد گرفت.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ادامه داد: معنا ندارد با موجودی که ذاتا به دنبال قتل و خونریزی و کشت و کشتار و اقدامات استکباری خود با همراهی قارون‌های منطقه‌ای است، دست دوستی داد آن هم برای ایجاد صلح و جنگ با تروریست. این دست دوستی همان رابطه گرگ و میش است که بسیار مضحک می‌نماید. گرگی که خودش به دنبال دزدی و غارت در منطقه است و با شعارهای ضد تروریستی خود فقط به دنبال فریب افکار عمومی است. کسانی که در داخل هم راستا با دشمن خواسته‌های آنها را به زبان می‌آورند و سخن از صلح و مذاکره می‌کنند، قطعا می‌خواهند با دادن آدرس غلط به مردم اهداف خود را دنبال کنند. باید توجه داشت که دشمن با فشارها و تهدیدات خود نتوانست خواسته هایش را محقق کند و حالا با ترفند جدید خود، قصد فریب دارند که باید هوشیار بود.

عده‌ای در داخل فریب ظواهر و شعارهای ضد تروریستی آمریکا را خورده‌اند

همچنین احمد بخشایش اردستانی نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آمریکا از همه ابزارهای جهانی خود به نحو مطلوب استفاده کرده و می‌کند، گفت: از گسترش دموکراسی به زعم خود گرفته تا حقوق بشر و مبارزه با تروریست. عده‌ای هم در داخل فریب این ظواهر و شعارها را خورده‌اند بدون آن که به پشت پرده این اقدامات توجه داشته باشند، اینها اقدامات مستکبرین و آمریکایی‌ها را مثبت قلمداد می‌کنند در حالی که مقام معظم رهبری در این رابطه از واژه نفوذ استفاده کرده‌اند. متأسفانه عده‌ای در داخل از اقتصاد مقاومتی گرفته تا توان مدیریتی داخلی را شعار قلمداد می‌کنند و همه چیز را آن طرف می‌بینند، به نوعی به دنبال تعامل الگویی هستند در حالی که دشمن با سیاست نرم جلو می‌آید تا به وقت مقتضی ضربه خود را بزنند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ادامه داد: بنابراین ما یک سری مواضعی داریم و با آمریکا به هیچ وجه نمی‌توانیم تعامل و نقاط مشترکی در بحث مقابله با تروریست داشته باشیم. در حوادث منطقه‌ای و از جمله سوریه آمریکا و شرکایش به بهانه مبارزه با تروریست منطقه را به آشوب کشیدند و ائتلاف آنها نیز وضع را بدتر کرد چرا که می‌خواستند به تروریست‌های دست پرورده خودشان کمک کنند.

نفوذی‌ها به دنبال تحریک افکار عمومی

سایه فیلترینگ بر سر تلگرام باقی ماند

سرویس اجتماعی-

جلسه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه عصر دیروز بالاخره پس از سه بار غیبت اعضای دولتی تشکیل شد. براساس مصوبه کمیته فیلترینگ، به وزارت ارتباطات برای رفع ایرادات تلگرام مهلت داده شد.

مهلت دهی به وزارت ارتباطات برای رفع ایرادات محتوایی تلگرام در حالی صورت می‌گیرد که در طول چند ماه اخیر تلاش‌های وزارتخانه برای حل مشکلات متعدد بروز یافته، به نتیجه نرسیده است. حتی در چند مورد مدیر تلگرام تلاش کرد با فضاسازی بر ضد وزارت ارتباطات، از پذیرش قوانین ایران در حوزه حاکمیت اینترنت شانه خالی کند.

سیاست خطرناک نفوذی‌ها

اما شاید اصلی‌ترین بحث درخصوص پرونده تلگرام به عنوان نرم افزار انحصاری ارتباطات کشور که اکنون به واسطه حضور رسمی داعش به زبان فارسی در این شبکه ارتباطی، شبکه‌های خبری معاند نظام و فعال شدن باندهای خطرناک آدم‌ربایی و بیش از ۱۷ هزار کانال ضداخلاقی «پورنوگرافی»، اهمیت مضاعف یافته، این باشد که اصلا چرا وزارت ارتباطات اجازه داد این شبکه که هیچ کنترلی بر مدیران خارجی و سرورهای آن وجود ندارد، به نرم افزار ارتباطی شماره یک جامعه ایرانیان تبدیل شود؟!

تلگرام در آینده، فیلتر شود یا نشود بخشی از جامعه ایرانی در هر حال از تصمیم‌سازی‌های هر روزه و متناقض دولت در حوزه ارتباطات ناراضی خواهند شد و این موضوعی است که به نظر می‌رسد به عنوان «سیاستی خطرناک» توسط باند نفوذی در وزارت ارتباطات با هدف «نقض حاکمیت ملی ایران بر اینترنت» به نام «خواست مردم» با تحریک حداکثری شهروندان در برابر تصمیمات نظام، در دستور کار قرار گرفته است.

واگذاری زیرساخت به بیگانه؟!

دقیقا به همین دلیل است که هیچ یک از کشورهای توسعه یافته، اجازه ساختارسازی اجتماعی و اقتصادی به نرم افزارهای اینترنتی خدمات رسان مشهور بیگانه در شبکه داخلی خود را پیش از انعقاد قراردادهای سفت و سخت مبتنی بر رعایت قوانین حاکمیتی صادر نمی‌کنند. به عنوان نمونه گوگل به واسطه دریافت مجوز فعالیت در یکی از کشورهای همسایه، سالانه ۵۰۰ میلیون دلار مالیات پرداخت می‌کند. هزینه‌ای که دولت ما با افتخار به خارجی‌ها می‌بخشد! علاوه بر اینکه جهان اولی‌ها به سرعت به سمت حذف نرم افزارهای رایگان خارجی و جایگزینی آنها با خدمات داخلی، با هدف جلوگیری از تثبیت حاکمیت آمریکا و سایر رقبا بر اینترنت و باخت در رقابت اقتصادی پیرامون آن حرکت می‌کنند. برخی از مدیران وزارت ارتباطات در توجیهی غیرقابل قبول، عدم رغبت مردم به خدمات داخلی را دلیل قبضه شدن بازار ارتباطات ایران توسط خارجی‌ها عنوان می‌کنند.

بی انگیزگی مردم یا کم کاری دولت؟

محمدعلی اسفنانی سه شنبه شب، در برنامه گفتگوی خبری شبکه دو سیما -که در آستانه تصمیم‌گیری درباره فیلتر شدن تلگرام در جلسه دیروز کارگروه فیلترینگ تهیه شده بود- درباره علت استفاده نکردن مردم از شبکه‌های اجتماعی داخلی و رغبت عمومی به شبکه‌های اجتماعی خارجی، ۳ دلیل را متصور شد.

این نماینده مجلس و عضو کارگروه فیلترینگ گفت: در وهله نخست مردم از وجود شبکه‌های اجتماعی داخلی اطلاع ندارند، علت دوم این است که مردم از بابت لو رفتن اطلاعات‌شان نزد مسئولان دولتی، به شبکه‌های اجتماعی داخلی اعتماد ندارند و در وهله سوم علت این است که شبکه‌های اجتماعی داخلی گستردگی جهانی ندارند. در حال حاضر اکثریت نمایندگان مجلس از تلگرام استفاده می‌کنند.

اما عبدالصمد خرم‌آبادی دبیرکارگروه فیلترینگ با متذکر شدن تفاوت نگاه مردم جوامع دیگر به شبکه‌های بین‌المللی به عنوان جاسوسان رسمی سرویس‌های خارجی، گفت: شبکه‌های اجتماعی خارجی عامل جاسوسی هستند. وی این سوال که چرا خارجی‌ها برای ما شبکه‌های اجتماعی «رایگان» تولید کرده‌اند را طرح کرد و به آن این طور پاسخ داد که «صرفا برای اینکه از ما جاسوسی کنند!» وی گفت: طبق قانون ما باید محتوای مجرمانه را فیلتر کنیم و از طرفی نیز به دلیل کدگذاری داده‌های تلگرام نمی‌توانیم فیلترینگ هوشمند را روی آن اجرا کنیم. علاوه بر اینکه فیلترینگ هوشمند اینستاگرام هم به مقدار بسیار کمی موثر بود و به هزینه‌هایی که صرف شد نمی‌ارزید. تلگرام علاوه بر مسائل مستهجن، دارای مسائل متعدد ضد امنیتی است؛ برای مثال گروه داعش برای فراخوان از تلگرام استفاده می‌کند!

رونمایی از سیاست تخریبی نفوذی‌ها

در جمع‌بندی این بحث، اسفنانی به اصل ماجرا یعنی «تصمیمات ناراضی‌کننده مردم» اشاره کرد و یادآور شد: هم اکنون ۱۲ درصد پهنای باند اینترنت ایران در اختیار تلگرام است. چرا دولت از ابتدا اجازه می‌دهد که چنین پیام‌رسانی باز شود، ۱۴ میلیون عضو بگیرد و سپس آن را فیلتر کنیم؟! پس بهتر همان است نرم افزاری که امکان مدیریت ندارد، از اول اجازه ورود نداشته باشند.

وی ادامه داد: در نهایت نیز اگر تصمیم به فیلتر شدن تلگرام گرفته شد، فردا شبکه‌هایی جدیدتری خواهند آمد که شاید اصلا دیگر نیازی به اینترنت ایران نداشته باشند، آن زمان است که دیگر فیلترینگ راه چاره نیست باید به فکر سواد سایبری (اتکا به قوه آگاهی و اختیار مردم) باشیم.

نقض حاکمیت به اختیار مردم؟!

هر چند ادعای «اتکا به اختیار مردم» در ظاهر بسیار شیک و جذاب به نظر می‌رسد اما حقیقت این است که هیچ حاکمیتی نمی‌تواند در برابر جمع‌آوری هوشمند اطلاعات خصوصی شهروندان خود سیاست بی‌طرفی اتخاذ کرده و «نقض حاکمیت ملی» را به اختیار مردم واگذار کند! شاهد این مدعا رفتار بسیار جدی کشورهایی همچون آلمان، آمریکا، روسیه، چین، انگلیس و هند و امثالهم در قانون گذاری سفت و سخت در حوزه اینترنت و ارتباطات است.

به طور مثال کشور هند که شریک سیاسی آمریکا در آسیا محسوب می‌شود، آخرین اخطار فعالیت «گوگل» در این کشور را صادر کرده و همزمان نرم افزارهای مشابه داخلی را به شهروندان خود عرضه کرده است.

فن آوران ایرانی در انزوای کامل

این در حالی است که وزارت ارتباطات کشورمان در رفتاری نابخشودنی از نرم افزارهای ارتباطی موجود در داخل همچون «بیسفون» و «ساینا» که با تلاش و بودجه بخش خصوصی به بازار عرضه شده‌اند نیز حمایت نمی‌کند. به‌طور مثال «بیسفون» اولین نرم افزار ارتباطی جهانی بود که از امکان «کانال خبری» رونمایی کرد اما به واسطه عدم حمایت و ترویج دولتی، قافیه را به تلگرام بیگانه و غیرقابل کنترل باخت! گروگان‌گیری نیازهای مردم با ترویج خدمات رسان‌های بیگانه و حتی دشمن، سیاستی است که مردم را به علت فیلترینگ مکرر نام‌های آشنا و کاربردی در عرصه ارتباطات به تقابل با حاکمیت دعوت می‌کند. به این ترتیب شهروندان ایرانی به واسطه سیاست ورزی باند نفوذی، «گوگل» و «تلگرام» و «وایبر» و «فیس بوک» و «توئیتر» را دوستانی خدمات رسان، معقول و منطقی که خواهان فعالیت رایگان در ایران هستند تصور می‌کنند و حاکمیت ملی را لجوج، غیرمنطقی و با استانداردهای برآمده از نیاز به «جاسوسی» تصور می‌کنند! در حالی که پشت پرده جنگی سنگین در حوزه جهانی برای «تثبیت حق ملت ها» در جریان است و ضعیف ترها حاکمیت آمریکا را با افتخار پذیرا هستند و ترجیح می‌دهند میلیاردها دلار ثروت حاصل از حوزه فناوری‌های نوین را به جیب دشمن واریز کنند!

ادعای طنزآمیز معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور

کاهش رشد علمی کشور در حال حاضر طبیعی است!

ستاری گفت: شاید شتابی که قبلاً بوده در حال حاضر وجود نداشته باشد و یا ممکن است از سرعت این شتاب کم شده باشد که به‌نظر من کاملاً طبیعی است(!)

سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با تسنیم، درباره مسئله افت رشد علمی کشور، اظهار داشت: وجود این مسئله بستگی به این دارد که با چه آماری به بررسی رشد علمی بپردازیم.

وی بدون اشاره به مرجع مورد قبول خود برای مقایسه آمار رشد علمی کشور، گفت: اگر فقط مقالات را در نظر بگیریم یا فقط به مقالات برتر توجه کنیم، یا تنها هر یک از شاخص‌های کمیت، کیفیت، سیستم ارجاع یا اختراعات را در نظر بگیریم آمارهای مختلفی در این حوزه به دست می‌آید.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور تصریح کرد: در تمام موارد مذکور کشور در حال رشد است (؟!)، شاید شتابی که قبلاً بوده در حال حاضر وجود نداشته باشد و یا ممکن است از سرعت این شتاب کم شده باشد که به نظر من کاملاً طبیعی است! زمانی شما کوه‌پیمایی می‌کنید و زمانی هست که صخره‌نوردی می‌کنید، البته رقابت‌ها در موارد اعلام شده در جهان خیلی شدید است.

رئیس بنیاد ملی نخبگان خاطرنشان کرد: ما در معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری به‌صورت خاص در نانو، بایو و سلول‌های بنیادی شاهد رشد بودیم! در نانو در رتبه هفتم قرار داریم و جهت‌گیری ما در این علم رسیدن به جایگاه ششم تا آخر سال است که امیدواریم در بخش‌های دیگر هم به همین رشدها دست یابیم.

گفتنی است یکی از مواردی که از سوی نخبگان در کاهش رشد علمی کشور موثر ارزیابی می‌شود، برخی ضعف‌های مدیریتی بنیاد نخبگان و صندوق نوآوری و شکوفایی و حرکت آهسته این مراکز در پاسخگویی به نیازهای دانشمندان جوان ایرانی است. گفتنی است تاکنون هیچ یک از مدیران دولت یازدهم در مورد پرونده «کاهش رشد علمی کشور» که مکرر مورد تذکر رهبر انقلاب و بیش از ۱۲هزار استاد دانشگاه‌های کشورمان واقع شده، مسئولیت پذیر نبوده‌اند. برخی همچون ستاری تغییر معیارهای آماری را پیشنهاد داده‌اند و برخی دیگر همچون ضیاء هاشمی، معاون فرهنگی اجتماعی وزیر علوم «تحریم ها» را در این موضوع موثر دانسته‌اند. در حالی که بیشترین رشد علمی کشور در دوره تحریم‌ها و به واسطه آرامش سیاسی حاکم بر دانشگاه‌ها رخ داده است.

محمد نیلی احمدی آبادی، رئیس دانشگاه تهران نیز تحریم‌ها و سیاست‌های دولت گذشته را در کاهش رشد علمی کشور در دو سال اخیر موثر دانسته بود!

بی مسئولیتی و بی‌توجهی برخی مسئولان در برخورد با عقب ماندگی علمی کشور در رقابت با سایر کشورهای در حال توسعه سبب شد، ۱۲ هزار عضو هیئت علمی دانشگاه‌های کشور در نامه‌ای خطاب به سران قوا، خواستار تشکیل کمیته‌ای برای بررسی دلایل و ارائه راهکار لازم برای حل مشکل توقف پیشرفت علمی کشور شوند که البته هنوز این امر محقق نشده است.

با حکم دادسرای ویژه مفاسد اقتصادی

فرزند وزیر ارشاد دولت اصلاحات بازداشت شد

فرزند وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی موسوم به زینت الوزرای دولت اصلاحات بازداشت شد.

به گزارش فارس، با حکم بازپرس دادسرای ویژه مفاسد اقتصادی، محمد محسن مهاجرانی فرزند عطاءاله مهاجرانی وزیر لندن نشین فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت اصلاحات بازداشت شد.

منابع آگاه علت بازداشت فرزند مهاجرانی را نقش وی در پرونده موسوم به دکل گمشده نفتی ۸۷ میلیون دلاری عنوان کردند.

برای اولین بار اواخر سال گذشته خبر دکل گمشده نفتی متعلق به شرکت تاسیسات دریایی منتشر شد.

کمیسیون انرژی مجلس هم طرح تحقیق و تفحص از این شرکت را کلید زد و برای دو تن از مدیران عامل سابق این شرکت پرونده قضائی تشکیل شد.

دی ماه ۹۳ نیز یکی از متهمان فساد در این شرکت بازداشت شد که سخنگوی قوه قضائیه، ۶ ماه بعد (اواخر تیر ماه ۹۴) این خبر را تایید کرد.

گفتنی است، دکل نفتی فورچونا از سوی مالک اصلی آن به خریدار دیگری فروخته شده و پس از حمل به مکزیک، هم اکنون در حال حفاری در آب‌های خلیج مکزیک است.

البته ماجرای دکل فورچونا تنها بخشی از پرونده مفصل شرکت تاسیسات دریایی را از ابتدای تاسیس این شرکت و در دوره‌های مختلف مدیریتی تشکیل می‌دهد.

در حال حاضر این دکل نفتی در خلیج مکزیک در حال حفاری نفت است. این موضوع براساس اخباری است که در سطح رسانه‌های خارجی منتشر شده و برخی رسانه‌های داخلی نیز به آن اشاره کرده‌اند.

بر این اساس دکل نفتی Furtuna متعلق به شرکت رومانیایی GSP که پول خرید آن توسط شرکت تأسیسات دریایی پرداخت شده با واسطه شرکت اماراتی با نام DEAN قرار بوده به ایران منتقل شود، در نهایت این دکل نه تنها به ایران منتقل نشده، بلکه از امارات مستقیم به خلیج مکزیک رفته تا در قالب قرارداد ۸۹۴ روزه بین GSP و پمکس به کار حفاری بپردازد.

اما نکته جالب در این میان نحوه خرید این دکل نفتی به واسطه دو دلال نفتی است که گفته می‌شود یکی از آنها پسر یکی از مقامات سابق دولتی (فرزند مهاجرانی) است.

انعقاد قرارداد خرید دکل حفاری به روزهایی برمی گردد که در سال ۸۸ تغییراتی در سطح مدیریتی شرکت تأسیسات دریایی انجام می‌شود و با ایجاد تغییر در روابط این شرکت با زیر مجموعه خود، خرید یک دکل حفاری را در دستور کار قرار می‌دهد.

مدیرعامل سابق شرکت تأسیسات دریایی با شرکت حفاری گلوبال پتروتک کیش دچار اختلاف کاری شده و تصمیم می‌گیرد بخشی از پروژه‌های حفاری شرکت تأسیسات دریایی و نه تمام آن را به زیرمجموعه خود واگذار کند.

در روزهایی که این اختلافات در مجموعه تأسیسات دریایی به اوج خود رسیده بود، کار حفاری ۲۲ حلقه چاه دریایی فاز ۱۴ پارس جنوبی به تأسیسات دریایی واگذار شد که این شرکت به دلیل عدم برخورداری از دکل دریایی با محدودیت مواجه شد.

لازم به یادآوری است که ماجرای دکل گمشده هم مانند موضوعاتی همچون بورسیه‌ها، پول‌های کثیف و ... دست آویز بازی رسانه‌ای مدعیان اصلاحات قرار گرفت و این بار هم مثل موضوعات دیگر اشاره شده معلوم شد که پای یکی از خود آنها وسط ماجراست!

آژانس: ایران سانتریفیوژهای خود در نطنز و فردو را منتقل کرده است

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گزارشی که روز چهارشنبه منتشر کرده اقدام ایران در برچیدن سانتریفیوژها را تأیید کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز چهارشنبه در گزارشی اعلام کرد ایران عقب راندن برنامه هسته‌ای خود را مطابق توافقات برجام آغاز کرده است.

این ارزیابی به نوشته آسوشیتدپرس، در گزارشی منتشر شده که در اختیار اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد و تعداد محدودی از کشورهای دیگر قرار گرفته است.

تاریخ اجرای توافق هسته‌ای، ۱۸ اکتبر بوده است. گزارش آژانس حاکی است، ایران از آن زمان، شمار سانتریفیوژهای خود را کاهش داده است.

نهاد دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل متحد خاطرنشان می‌کند که تعداد سانتریفیوژهای ایران در مرکز اصلی غنی‌سازی نطنز در تاریخ ۱۵ نوامبر، برابر با ۱۱۳۰۸ دستگاه بوده، یعنی ۳۰۰۰ دستگاه کم‌تر از روز اجرای توافق هسته‌ای. آژانس علاوه بر این، به کاهش سانتریفیوژها در یک سایت کوچک‌تر هم اشاره کرده است.

آسوشیتدپرس از قول برخی دیپلمات‌ها که اشاره‌ای به نامشان نکرده می‌افزاید، تمامی دستگاه‌های سانتریفیوژ جمع‌آوری شده، دستگاه‌های غیرفعال بوده‌اند.

خبرگزاری رویترز، براساس رویت نسخه‌ای از این گزارش نوشته آژانس تصریح می‌کند میزان ذخایر اورانیوم کم‌غنای ایران در طول سه ماه گذشته افزایش یافته است. این در حالی است که ایران باید به موجب برجام از ذخائر اورانیوم خود بکاهد.

گزارش آژانس همچنین خاطر نشان می‌کند ایران سانتریفیوژهای خود هم در سایت نطنز و هم در فردو را منتقل کرده است. گزارش آژانس اشاره‌ای به سایت اراک نکرده است.

سروران ارجمند! ارزش جان شما ۵۲ برابر ماست!

مجری ورزشی تلویزیون ما نیز اگر به سبب بی‌ربط بودن برنامه‌اش به کشتار پاریس، نمی‌تواند به احترام جان‌باختگان، یک دقیقه سکوت کرده و «اون مینوت د سیلانس» اعلام کند، دستکم باید یک تکه پارچه مشکی به سمت چپ سینه بزند تا ادای دین کرده باشد.

یاسر جبرائیلی در یادداشتی در فارس نوشت: درست ۴۸ ساعت پیش از کشتار پاریس توسط داعش، همان وحوش در ضاحیه بیروت بیش از ۲۸۰ نفر مسلمان را شهید و زخمی کردند. اما اینها برای مردم لبنان شمع روشن نکردند. در فرانسه کسی برای کشته شدگان فاجعه «منا» پیامی صادر نکرد و شمعی در مقابل سفارت تهران در خیابان «ینا» روشن نشد. این مرگ و میرها عادی است. آنچه خرق عادت است، کشته شدن انسان‌های مدرن و غربی است که بابت این مصیبت عظما همه بشریت نه تنها باید عزادار شوند، بلکه می‌بایست هزینه دهند و فدا شدن جان و مالشان، خشم حاکمان غرب را تسکین دهد. در این وانفسا مجری ورزشی تلویزیون ما نیز اگر به سبب بی‌ربط بودن برنامه‌اش به کشتار پاریس، نمی‌تواند به احترام جان باختگان، یک دقیقه سکوت کرده و «اون مینوت د سیلانس» اعلام کند، لااقل باید یک تکه پارچه مشکی به سمت چپ سینه بزند تا ادای دین کرده باشد. آری! همه بشریت باید عزادار شوند و اساسا عزادار نشدن برای این انسان‌های متمدن، خود نشانه بربریت است و کراوات به سینه باید رفت و کنار علمک گاز سفارت فرانسه شمع روشن کرد و نشان داد که هرچند عزادار شمائیم، اما شمع را کنار مخزن انفجار روشن می‌کنیم تا بگوئیم مبادا تصورتان درباره ما عوض شود، ما همان موجودات دوپای نفهمی هستیم که ارزش جانمان، حداقل ۵۲ برابر کمتر از ارزش گوهر وجودی شماست و باید از نحوه عزاداری‌های ما برای کشتگان خود نیز وحشت کنید و حق دارید که گوشه درب سفارت را، یا حتی آن شکاف پنجره مانند میانه در را که برای ویزا دادن می‌گشائید، برای شنیدن عرض تسلیت ما باز نکنید.

۵۲ برابر! سال ۱۹۸۸ میلادی وقتی بوئینگ متعلق به شرکت هواپیمایی پان آمریکن، بر فراز آسمان لاکربی اسکاتلند منفجر شد و سرنشینان آن جان باختند، واشنگتن بابت هر آمریکایی ۱۱ میلیون دلار از لیبی غرامت گرفت. اما دقیقا همان سال ۱۹۸۸ که آمریکایی‌ها مسافران بی‌گناه پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر را از روی عرشه ناو وینسنس قتل عام کردند، غرامتی که به خانواده هر قربانی پرداخته شد، حدود ۲۱۰ هزار دلار بود: ۵۲ برابر کمتر از غرامتی که بابت جان آمریکایی‌ها در حادثه لاکربی از لیبی گرفته شد. ارزش‌گذاری آمریکایی‌ها برای جان ملت بی‌پناه افغانستان کمتر از این بود. سال ۱۳۹۱ خبری منتشر شد مبنی بر اینکه واشنگتن بابت هر افغانستانی غیرنظامی و بی‌گناهی که در فاجعه قندهار به دست سربازان مست آمریکایی قتل عام شدند، فقط ۵۰ هزار دلار غرامت پرداخت کرد: ۲۲۰ برابر کمتر از غرامتی که در لاکربی از لیبی گرفتند!

نگاه اینها به بشر غیرغربی همین است. اینها اگر نگران موشک‌های بالستیک ایران هستند و خود بمب هسته‌ای دارند و تنها کسانی هستند که ملتی را با همین بمب به خاک و خون و آتش کشیده‌اند، علت این است که می‌گویند شما ممکن است این بمب را علیه انسان‌های ارزشمند و مدرن غربی به کار بگیرید و فرهنگ استفاده صحیح از آن را ندارید و از همین روست که اساسا ترجیح ماست که نباید هیچ سلاحی داشته باشید و ما اگر بمبی و سلاحی و موشکی استفاده می‌کنیم، همه علیه شما نژادهای وحشی است و این اقدام ما، مشروع و بلامانع و بلکه صواب است و برای خاتمه دادن به بحران‌ها و تادیب نسل‌ها و اصلاح جوامع و صدور دموکراسی و آدم کردن شماهاست، و بلکه ضرورتی است من باب انسان دوستی ماها که خودتان هم باید هزینه این بمب‌ها را بپردازید و وقتی آمدیم و کشورتان را اشغال کردیم، به جای پول بمب‌هایی که ریخته‌ایم بر سر این قربانیانی که شما در پیشگاه مدرنیزاسیون تقدیم کرده‌اید، به جای پول این بمب‌ها، نفت می‌بریم تا بی‌حساب شویم.

غرب نژاد پرست است و برای دیگر ساکنان کره خاکی، ارزش حیات نیز قائل نیست، اما آنچه مایه تعجب و شگفتی و دیوانگی و به بست رسیدن مغز آدمی در جاده تفکر و تامل است، نه حتی غرب زدگی که غرب پرستی و «نژاد دیگر پرستی» لیبرال‌های ایرانی است. برای یک ملت، شاید هیچ دردی زجرآورتر از این نیست که در پاسخ به اهانت‌ها و تحقیرها و بی‌شرمی‌ها و فحاشی‌های یک تمدن منحط، کسانی از میان همان ملت برخیزند و به هر طریقی که از عهده شان برمی آید و مقدورات و محذورات اجازه می‌دهد، فریاد برآرند که بله عالیجنابان! کاملا درست می‌فرمائید!

خباز و همتی استانداران سمنان و قزوین شدند

محمدرضا خباز و فریدون همتی با پیشنهاد وزارت کشور و تأیید هیئت دولت استانداران سمنان و قزوین شدند.

به گزارش تسنیم، حسینعلی امیری قائم‌مقام و سخنگوی وزارت کشور از انتخاب محمدرضا خباز و فریدون همتی به‌عنوان استانداران سمنان و قزوین از سوی هیئت دولت خبر داد.

محمد زند وکیلی استاندار سابق سمنان و مرتضی روزبه استاندار سابق قزوین تا پیش از این فعالیت داشته‌اند.

محمدرضا خباز ۶۱ساله تجربه چهار دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی را دارد که جایگزین محمد زندوکیلی استاندار سمنان شد. وی تاکنون معاون مجید انصاری در معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور بوده است.

مدیرکل صدا و سیما در مراکز ایلام، لرستان و آذربایجان‌غربی، نماینده مجلس هفتم از حوزه انتخابیه ایلام، مسئول امور استان‌های دیوان محاسبات کشور، معاون حقوقی و پارلمانی دیوان محاسبات کشور نیز از سوابق فریدون همتی به حساب می‌آید. وی تاکنون سمت مشاور وزیر کشور را به‌عهده داشته است.